

پیشرفت فرهنگی و جایگاه حیات طیبه در فقه خانواده^۱

منیر حق خواه^۲

صدیقه محمدحسینی^۳

چکیده

تحقق پیشرفت و تعالی برای انسان از اهدافی است که دین اسلام در پی تحقق آن بوده است. از منظر این دین الهی، اصالت با پیشرفت فرهنگی است و رسیدن انسان به حیات طیبه غایت سیر تکاملی آدمی در مسیر پیشرفت فرهنگی معرفی شده است. بر این اساس تمامی دستورات دین اسلام در قالب فقه، در راستای تحقق حیات طیبه است. فقه خانواده نیز به عنوان یکی از بخش‌های فقه اسلامی همین هدف را دنبال نموده و احکام خانواده را به عنوان مهمترین مهد تکامل و پیشرفت آدمی و اساسی‌ترین بستر در دستیابی انسان به حیات طیبه ساماندهی می‌نماید. در یک نگاه کلی، تمامی تشریحات شارع مقدس در فقه خانواده منظومه‌ای هدفدار در جهت تحقق حیات طیبه است. اما سؤال اصلی این است که چگونه الزامات فقه خانواده، حیات طیبه را برای انسان محقق می‌سازد؟ این مقاله با روشی تحلیلی - توصیفی و با ابزار کتابخانه‌ای در صدد پاسخ به این مسأله می‌باشد. بر همین اساس به بیان مفهوم و آثار «حیات طیبه» در نگاه اسلام می‌پردازد. سپس ارتباط الزامات فقه خانواده با حیات طیبه را تبیین می‌نماید و در نهایت برخی از احکام حوزه خانواده را، در دو طیف احکام زمینه‌ساز و احکام مانع‌زدا در جهت تحقق «حیات طیبه» مورد بررسی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی

حیات طیبه، پیشرفت فرهنگی، فقه خانواده

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۶/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۹

۲- استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق ۷ پردیس خاوران

haghkha84@gmail.com

۳- دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خانواده دانشگاه امام صادق ۷ پردیس خاوران (نویسنده مسؤول)

mohamadhasani600@yahoo.com

مقدمه

امروزه با سیطره همه جانبه غرب در جهان به ویژه در حوزه مباحث علمی و نظری، بیشتر کشورها به سمت تشکیل و تکامل جوامع مدنی بر اساس الگویی غربی پیش می‌روند. این در حالی است که اسلام نیز به عنوان دینی که خود را عهده‌دار تأمین سعادت و تعالی عقبی و دنیای بشر معرفی می‌کند، الگو و برنامه‌ای جامع در تحقق پیشرفت زندگی انسان ارائه داده است. علی‌رغم وضعیت جهان امروز که گفتمان توسعه در آن مبنایی مادی و اقتصادی دارد، بررسی دقیق آموزه‌های دین اسلام، به خوبی اصالت پیشرفت ارزشی و فرهنگی انسان را در این دیدگاه آشکار می‌سازد؛ به نحوی که تمام اهتمام خود را به رشد جنبه‌های ارزشی و فرهنگی بشر معطوف داشته و رشد مادی و دنیوی وی را در تحقق این جنبه‌ها استخدام کرده است. نباید از خاطر برد که اسلام با توجه ویژه به خانواده که یکی از مهمترین کانون‌های تحقق پیشرفت و تکامل بشر است، اهداف عالی‌ای را از جمله رسیدن به آرامش، سکون، بقا و تربیت نسل دنبال می‌کند. جست‌وجو در آموزه‌های اسلامی در این حوزه نشان می‌دهد که همواره پیشرفت و تکامل آدمی در دامن خانواده حتی سالها قبل از تولد وی پی گرفته می‌شود.

بیان مسأله

مسأله پژوهشی مقاله حاضر این است که آموزه‌های اسلامی فقه خانواده، در رساندن انسان به حیات طیبه به عنوان هدف نهایی برنامه نظام‌مند اسلام در مسیر پیشرفت فرهنگی، چه نقشی را ایفا می‌کند و چگونه حیات طیبه را برای انسان محقق می‌سازد؟ نویسندگان مقاله با بررسی منابعی چون آیات و روایات، در صدد اثبات این امر هستند که دین مبین اسلام در مسیر پیشرفت فرهنگی انسان و دستیابی وی به حیات طیبه الهی، توجه ویژه‌ای به کانون خانواده و احکام مربوط به این حوزه به عنوان مهمترین مهد تکامل و تعالی آدمیان، مبذول می‌دارد و آموزه‌های مفصل، عمیق و دقیقی را به صورت منظومه‌ای هدفمند در حوزه فقه خانواده تشریح می‌کند؛ به گونه‌ای که تمامی احکام تشریح شده در این حوزه یا از اساسی‌ترین عوامل زمینه‌ساز دستیابی

انسان به حیات طیبه است، یا به گونه‌ای است که موانع را از سر راه وی در رسیدن به این حیات برتر، مرتفع می‌سازد.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱- حیات طیبه

به منظور مفهوم‌شناسی حیات طیبه لازم است مقدمتاً دو واژه «حیات» و «طیبه» مفهوم‌شناسی شوند.

واژه حیات در مقابل موت به معنای زندگی و زنده بودن است (راغب، ۱۴۰۴هـ ص ۲۶۹). حیات به نحوی از وجود تعریف شده است که علم و قدرت از آن مترشح می‌گردد. از منظر قرآن کریم، حیات اعم از حیات نباتی، حیوانی و انسانی است (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ ج ۲، ص ۳۲۹). طیبه یا طیب به معنای پاک و پاکیزه و آن چیزی است که انسان به طور طبیعی به آن تمایل دارد؛ در مقابل خبیث و ناپاک که موجب تنفر انسان می‌گردد (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ ج ۱، ص ۵۶۳).

بر این اساس، حیات طیبه در لغت عبارت است از زندگی پاکیزه و خالص از هر گونه آلودگی (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۹۴) و در اصطلاح، حیاتی فراتر از حیات ظاهری جسمانی است که مراتبی بالاتر از علم و قدرت را برای دارنده آن به همراه خواهد داشت.

۲- فقه خانواده

فقه در لغت به معنای فهم و در اصطلاح علم به احکام شرعی از طریق ادله استنباط احکام به منظور نیل به سعادت اخروی تعریف شده است (عاملی، ۱۴۱۴هـ ص ۶). بر این اساس، فقه خانواده به عنوان بخشی از همین علم، مجموعه احکام و دستورات شارع مقدس در حوزه مباحث خانواده از جمله نکاح و طلاق می‌باشد.

۳- پیشرفت فرهنگی

پیشرفت در لغت به معنای ترقی، پیشروی داشتن در مورد کار یا مقصدی، حرکت کردن،

انجام خوب یافتن و سرانجام خوب دادن است (دهخدا، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۱۳۲) و در اصطلاح به معنای رشد تدریجی سطح و کیفیت زندگی در عرصه مادی و معنوی است. بر این اساس، پیشرفت فرهنگی، حرکت و جریان تعالی‌بخش با هدف تحول متکامل انسان در راستای شکوفایی استعدادهای فطری، تعمیق باورها و ارزشها و توسعه قدرت انسان در حرکت به سمت غایت است.

تعریف پیشرفت از منظر اسلام

امروزه تحقق توسعه و پیشرفت از اصلی‌ترین دغدغه‌های تمدن‌های دنیا محسوب می‌گردد. در همین راستا، مکاتب مختلف فکری به دنبال ارائه الگویی کامل و جامع برای تأمین این مهم بوده‌اند؛ این در حالی است که اسلام به عنوان بزرگترین مکتب الهی، از قرن-ها پیش، هدف خود را تعالی و سعادت بشر بیان کرده و رسالت خود را رساندن انسان به قله‌های کمال و تعالی می‌داند. به همین جهت از هیچ یک از شؤون مادی و معنوی زندگی انسان غفلت نورزیده و قطعاً توسعه و پیشرفت وی در همه عرصه‌ها را غایت هدف خود قرار داده است. بنابراین می‌توان گفت اسلام نه تنها در برابر توسعه و پیشرفت و ارائه تعریف و راهکاری برای تحقق آن، بی‌موضع نیست، بلکه برنامه‌ای کامل، جامع و نظام‌مند را در رسیدن به تکامل، تعالی و پیشرفت ارائه می‌کند.

باید توجه داشت دین مبین اسلام در تلاش برای تحقق رشد و پیشرفت نوع بشر، ظاهراً با دیگر مکاتب فکری هم‌جهت و هم‌داستان است؛ اما از جهت مبانی ساختاری، انگیزه، هدف و دستاوردهای توسعه و پیشرفت، دین اسلام با مکاتب دیگر، تفاوتی عمیق دارد. بر این اساس، لازم است به تعریفی متمایز از تعاریف موجود از توسعه و پیشرفت، در نگاه اسلام پرداخت. برای ارائه تعریفی صحیح و کامل و جامع از توسعه و پیشرفت از دیدگاه تفکر و حیانی اسلام، لازم است خود را به عنوان جزئی از عالم هستی و هدف از هستی در جهان را، به گونه‌ای ژرف مورد مذاقه و تعمق قراردهیم؛^۱ زیرا انسان موضوع

۱- بیانات مقام معظم رهبری در جمع اساتید و دانشجویان دانشگاه شیراز ۱۴/۲/۱۳۸۷

اصلی توسعه و پیشرفت است و از سوی دیگر با تحقق تکامل و رشد وی می‌توان گفت که اسلام به هدف خود در این زمینه دست یافته است. به عبارت بهتر، انسان موضوع و در عین حال، غایت و نهایت، برای توسعه و پیشرفت محسوب می‌گردد و ارائه تعریفی در این باره بدون شناخت عمیق و دقیق موضوع و هدف پیشرفت و توسعه که همان انسان است، امکان‌پذیر نیست.

از منظر اسلام، انسان آمیخته‌ای است از خاک و روح الهی یا معجونی از فطرت و طبیعت که تمامی ساحات ملکی و ملکوتی را در خود گرد آورده است. انسان فطرتی دارد که پشتوانه آن روح الهی است و دارای طبیعتی است که به گل وابسته است. همه فضایل آدمی به فطرت او و همه رذایل او به طبیعت وی برمی‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۱).

از سوی دیگر، این ترکیب شگفت از عالم ناسوت و لاهوت، موجودی است که حرکت و جنبش، عنصر جدایی‌ناپذیر از جان وی است. قرآن کریم با توصیف انسان به صفت "کادح" به روشنی این موضوع را یادآور می‌شود «یا ایها الإنسان إنک کادح إلی ربک کدحا فملاقیه» (انشقاق، ۶). به گفته مفسران در واژه "کدح" نوعی حرکت و سیر دایمی نهفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶ ص ۳۰۱؛ موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۲۰؛ ص ۴۰۱) و بر این اساس، آیه شریفه، انسان را خواه مؤمن خواه کافر، مانند آب نهر روانی ترسیم می‌کند که همواره در حال سیر و سلوک دایمی و بی‌وقفه است.^۱

باید توجه داشت که قدرت فائقه وی در حرکت فقط به سیر در مقاصد مکانی و آفاقی محدود نیست و قدرت پیمودن مسیرهای مکانتی و انفسی را نیز شامل می‌گردد؛ حتی بر اساس برنامه اسلام، اصالت با حرکت مکانتی است و استفاده از این قدرت در سیر مکانی نیز باید به گونه‌ای باشد که وی را در پیمودن هر چه بیشتر و بهتر این سفر مکانتی یاری کند (انعام، ۱۱؛ نمل، ۶۹؛ عنکبوت، ۲۰).

انسان با توجه به بهره‌مندی از قدرت اختیار و انتخاب از سوی خداوند عالم، این امکان را دارد که در حرکت پیوسته در عمق جان خود، در مسیر شکوفایی فطرت الهی خویش

۱- ر. ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۴؛ مطهری، بی تا، ج ۳، ص ۵۳۸

گام بردارد یا در راستای فربه‌سازی هر چه بیشتر طبیعت خاکی‌اش؛ «*إِنَّا هَدِينَاهُ السَّبِيلَ* *إِمَّا شَاكِرًا* و *إِمَّا كَفُورًا*» (انسان، ۳)؛ اما در نگاه اسلام، آفرینش انسان به گونه‌ای صورت گرفته است که ظرفیت و قابلیت رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی یعنی نهایت شکوفایی فطری و فرهنگی را داراست و تمامی دستورات و آموزه‌های اسلامی در مسیر رساندن انسان به همین مقام خلیفه‌اللهی تشریح گردیده است (بقره، ۳۰).

بنابراین، در نگاه اسلام انسان موجودی پویا و در حال حرکت است و در این قدرت شگفت برای حرکت، هیچ موجودی یارای مقابله با وی را دارا نیست؛ اما باید دانست که قدرت عطا شده به وی در سیر و سلوک، از سوی خداوند حکیم به منظور تحقق جنبه‌های الهی و فطری وی است و انحصار تلاش انسان به رشد جنبه‌های حیوانی‌اش، وی را از مسیر برنامه تعالی‌بخش اسلام دور می‌کند. به عبارت بهتر، هدف از تعیبه قدرت بی‌بدیل حرکت در جان انسان، سیر او به مکانت برتر در مسیر گسترش روح و رشد جنبه‌های عقلانی و معنوی وی بوده است^۱ و رشد جسمانی و مادی مطلوب است، اما هدف و غایت نیست؛ بلکه مقدمه و زمینه پیشرفت روحانی انسان محسوب می‌شود.^۲

پس از بررسی هویت و غایت انسان از منظر اسلام به عنوان موضوع و هدف اصلی توسعه و پیشرفت، اکنون می‌توان به تعریفی که اسلام از پیشرفت مد نظر دارد، دست یافت. از دیدگاه تفکر و حیانی اسلام، توسعه و پیشرفت، حرکت و جریانی تعالی‌بخش^۳ است که تحول متکامل انسان در راستای شکوفایی استعدادهای فطری، تعمیق باورها، ارزشها و توسعه قدرت انسان در حرکت به سوی غایت را دنبال می‌کند. ویژگی مهم این حرکت تعالی‌بخش، در برگرفتن همه جوانب زندگی انسان است؛ زیرا از این منظر، انسان موجودی است که گستره وجودی وی از ازل تا ابد «*إِنَّا لِلَّهِ* و *إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ*» (بقره، ۱۵) و از خاک تا عرش «*أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرَعُهَا فِي السَّمَاءِ*» (ابراهیم، ۲۴) پهنای می‌یابد و تحقق پیشرفت برای وی مستلزم توجه به همه شؤون مادی و معنوی زندگی وی است. در همین راستا

۱- ر. ک: جوادی آملی، ۱۳۷۷، مقدمه

۲- ر. ک: مطهری، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۵۵۹

۳- بیانات مقام معظم رهبری در جمع اساتید و دانشجویان دانشگاه خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳

برنامه‌ای که اسلام در تحقق پیشرفت زندگی انسان ارائه می‌کند، برنامه‌ای است جامع و کامل که علاوه بر تلاش جدی در جهت تحقق پیشرفت کیفی و فرهنگی، از رشد کمی، مادی و دنیوی زندگی انسان نه تنها غفلت نورزیده، بلکه با دقت و ظرافت به پایه‌ریزی اقتصادی اسلامی پرداخته است.

باید دانست که با وجود شمول برنامه تکاملی اسلام در همه جنبه‌های زندگی اعم از مادیات و معنویات، محور و هدف اساسی این برنامه، تحقق پیشرفت فرهنگی انسان بوده، شکوفایی تمام و کمال فطرت آدمی، غایت اصلی آموزه‌های این مکتب است. در این مکتب، تأکید بر لزوم تحقق توسعه اقتصادی و مادی در جهت تحقق هر چه بیشتر رشد و تکامل فرهنگی آدمی است و پیشرفت فرهنگی به عنوان مهمترین بستر توسعه و پیشرفت در سایر عرصه‌ها چون توسعه اقتصادی، رفاه مادی و پیشرفت اجتماعی مطرح می‌گردد.^۱

ارزش و عمق دیدگاه مکتب الهی اسلام، هنگامی روشنتر خواهد شد که بدانیم اکثر مکاتب مدعی تحقق نهایت توسعه، انسان را موجودی مادی و فانی تعریف کرده، زندگی وی را فقط در عرصه‌ای از تولد تا مرگ در حیات دنیا محدود می‌دانند (مؤمنون، ۳۷) و بر اساس همین تعریف از انسان، تنها رشد بعد مادی حیات آدمی را در کانون توجه خود قرار می‌دهند. این مکاتب تمام هم و غم انسان را به بیرون از وی و جمع‌آوری هر چه بیشتر ثروت و قدرت معطوف می‌نمایند تا حداکثر رفاه و تجملات زندگی را برای وی تأمین کنند، بدون آن که حتی نیم‌نگاهی به درون وی داشته باشند. حتی چه بسا حاضر باشند در جهت کسب حداکثر سود مادی، تمام ارزش‌های اخلاقی و انسانی را نادیده بگیرند.

حیات طیبه غایت پیشرفت فرهنگی و آثار آن در زندگی انسان

پس از بررسی معنای پیشرفت از نگاه اسلام بر پایه تبیین ماهیت انسان از منظر نظام معرفت‌شناختی اسلامی به عنوان موضوع و هدف توسعه و پیشرفت، ضروری می‌نماید

۱- ر. ک: موسوی خمینی، سید روح‌الله، بی تا، ج ۷، ص ۵۲۱

که غایت و نهایت دستاورد برنامه اسلام در تحقق رشد و تعالی انسان، مورد ارزیابی قرار گیرد.

غایت پیشرفت فرهنگی انسان در نگاه اسلام، تحقق حیات طیبه است^۱. حرکت انسان در مسیر فطرت الهی خویش بر مبنای آموزه‌های اسلامی یعنی آراستگی انسان به ایمان و عمل صالح، زنده شدن به حیات طیبه از جانب حضرت حق را به وی ارزانی خواهد کرد. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ نَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۷). به عبارت بهتر، از آنجا که دین توسعه را جهت‌دار و جهت آن را تعالی انسان می‌داند و ترقی، رشد، پیشرفت و گسترش ابعاد وجودی انسان را جهت تعالی، استعلاء و تکامل او می‌طلبد و رفاه مادی او را با تعالی معنوی او جست‌وجو می‌کند، حیات طیبه جامع‌ترین تعریف از این نظرگاه است؛ زیرا حیات طیبه یعنی نظام زندگی آنگاه که همه خیرات و خوبی‌هایی که انسان به آن علاقمند است، در آن باشد؛ صفای معنوی، رفاه مادی، امنیت اجتماعی و روحی، علم، دانش، بینش، تعبد، خلوص، عبادت، رضایتمندی، عزت، کرامت، تعاون، مشارکت، وحدت، عدالت و خلاصه همه آنچه را که پسند و مطلوب انسان است، دارا باشد (علی اکبری، ۱۳۸۴، ص ۷۵).

در تشریح و توضیح این حیات تازه و پاک باید گفت از منظر اسلام حیات دارای مراتب متعددی است که اولین مرتبه آن حیات ظاهری و جسمانی است؛ اما این درجه از حیات مقدمه‌ای بر حیات عقلانی و معنوی انسان است که همان حیات حقیقی محسوب می‌گردد^۲. خداوند تعالی مؤمنی را که عمل صالح انجام دهد، به حیات جدیدی غیر از آن حیات ظاهری جسمانی که به دیگران نیز عطا کرده است، زنده می‌گرداند و عالی‌ترین حد از این حیات معنوی و الهی آنجاست که آدمی به حیات طیب زنده می‌شود.

باید توجه داشت این حیات پاکیزه جدید و اختصاصی، حیاتی جدا از زندگی سابق که همه در آن مشترکند، نیست؛ در عین این که غیر از آن است، با همان است؛ تنها اختلاف موجود بین این دو حیات اختصاصی و اشتراکی، به مراتب است نه به عدد. پس کسی که

۱- بیانات مقام معظم رهبری در جمع اساتید و دانشجویان دانشگاه شیراز ۱۳۹۱/۲/۱۴

۲- ر. ک: حاجی صادقی و بخشیان، ۱۳۹۳، ص ۱۶۸

دارای آن چنان زندگی است، دو جور زندگی ندارد؛ بلکه زندگی اش قوی‌تر، روشن‌تر و واجد آثار بیشتر است^۱. بدین ترتیب، تحقق حیات طیب در زندگی انسان مؤمن و متعالی به عنوان والاترین مراتب حیات حقیقی، آثار شاخص، خاص و منحصر به فردی را به ارمغان می‌آورد؛ با این توضیح که حیات به عنوان اساسی‌ترین عنصر وجود انسان، منشأ اوصاف اساسی علم و قدرت است که هماهنگی آنها را در وجود موجود حی بر عهده دارد؛ زیرا در تعریف این واژه گفته شده است: «فالحیات نحو وجود یتشرح عنه العلم و القدره» (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ج، ص ۲۲۹). بنابراین، بر اساس تعریف مذکور و با توجه به این نکته که حیات طیب مراتبی والا از حیات ظاهری جسمانی را تشکیل می‌دهد، طبیعی است که علم و قدرت موجود در این نوع حیات، با علم و قدرتی که در حیات ظاهری برای آدمی موجود است، تفاوتی فاحش و آشکار دارد.

به دنبال تحقق ایمان و عمل صالح در نفس آدمی در عالی‌ترین سطح حیات یعنی حیات طیب، روح ملکوتی انسان ساختارهای علمی، ارادی و فعلی او را به گونه‌ای رهبری می‌کند که برترین هماهنگی بین آنها برقرار می‌شود و علم انسان مشرف بر عمل وی شده، عمل وی از علم او دستور می‌گیرد و در نهایت انسان، زنده عالم و عامل خواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۱-۱۹۳) و جلوه‌ای جدید از علم و قدرت، در آدمی به تصویر کشیده می‌شود؛ به گونه‌ای که علم و اراده وی در عرصه‌ای فراتر از دسترس دیگران کارگر خواهد بود. در این حال، او علم و ادراکی در تشخیص حق از باطل دارد که دیگران ندارند؛ همچنین از موهبت قدرت بر احیای حق و ابطال باطل سهمی دارد که دیگران ندارند (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۹۲) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ قُرْآنًا» (انفال، ۲).

همان‌طور که خاصیت تکامل است که موجود متکامل به هر نسبت که تکامل پیدا می‌کند، مستقل و قائم به ذات و حاکم و مؤثر بر محیط خود می‌شود، انسانیت انسان به هر نسبت تکامل پیدا کند، به سوی استقلال و حاکمیت بر سایر جنبه‌ها گام برمی‌دارد؛ چنانکه صاحب

عالی‌ترین سطح انسانیت، حیات معنوی و تکامل، در نهایت و ارستگی از محکومیت هر سلطه و حاکمیتی از درون و بیرون، بر محیط بیرونی و درونی خود سلطه‌ای الهی دارد.^۱ به علاوه، این انسان از عزت و مناعتی بهره‌مند خواهد شد که دنیا و مافیهایش، شیطان و وسوسه‌هایش و نفس و مکاید زیرکانه‌اش در چشم وی خوار و حقیر می‌گردد (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۹۲).

همچنین تحقق حیات طیبه نعمت شرح‌صدر را برای انسان آراسته به ایمان و عمل صالح به ارمغان خواهد آورد. هر گاه خداوند تعالی نسبت به بنده‌ای اراده‌ی هدایت، تکامل و تعالی داشته باشد، نعمت شرح‌صدر و بسط و توسعه در ظرفیت روحی، فکری و عقلانی را به وی عنایت خواهد نمود «فَمَنْ يَرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يَرِدْ أَنْ يَضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيْقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (نساء، ۱۲۵). شرح‌صدر به نیرو و روشنایی تعریف شده است که روح انسان می‌تواند در سایه آن به فضای بی‌نهایت کمال و فضیلت طیران کند و بر هر حقیقتی از معارف احاطه یافته و به فضائل خلقی متصف گردد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴هـ ج ۱، ص ۱۹۴). به همین دلیل در نگاه مفسران عنایت اعلی درجه انشراح صدر، گسترش و وسعت فکر و روح و جان، به پیامبر اکرم ﷺ بزرگترین موهبت الهی به ایشان «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (انشراح، ۱) و بی‌حوصلگی و بی‌بهرگی از این ظرفیت بزرگ الهی نوعی رجس و پلیدی روح معرفی شده است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۵۰).

آرامش و اطمینان خاطر، از دیگر آثار اساسی حیات طیبه است. هماهنگی حیات اکتسابی با حیات موهبتی الهی عامل آرامشی عمیق و نشاطی حقیقی در وجود انسان است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۳۳۹) «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (فتح، ۲۶).

این آرامش و اطمینان ثمره انحصاری حیات طیبه در عالی‌ترین مراتب رشد فرهنگی، ارزشی و عقلانی آدمی است. به همین دلیل اقتضار به یکی از ابعاد پیشرفت و توسعه به خصوص تأکید بر جنبه‌های اقتصادی نصیبی از زندگی، غیر از سردرگمی، اضطراب،

۱- ر. ک: مطهری، بی تا، ج ۲، ص ۲۸

۲- ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۱هـ ج ۲۰، ص ۲۹۴

هراس و اندوه‌های معنوی و مادی نخواهد داشت؛ زیرا در این صورت تنها دستیابی به رفاه و آسایش، غایت تمام تلاش‌های شبانه‌روزی انسان‌ها می‌شود، بدون آن که کسب آرامش و امنیتی را به دنبال داشته باشد. بر همین اساس خداوند متعال می‌فرماید: «ومن أعرض عن ذكرى فإن له معيشتة ضنكاً» (طه، ۱۲۴).

لازم به ذکر است که مراد از ضنک و تنگی این نیست که اسباب و وسایل مادی زندگی (مثل قرض و بی‌پولی) انسان را تحت فشار قرار بدهد؛ بلکه انسان از ناحیه درون تحت فشار قرار می‌گیرد (مطهری، بی‌تا، ج ۴، ص ۶۲۵) و حتی اگر تمام ثروت و سلطنت دنیا را هم که به او بدهند، باز هم در فشار است (همان، ج ۲۶، ص ۵۲۹؛ موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۱۳). بنابراین دریافتیم اگر انسان با ابزار ایمان و عمل صالح در مسیر فطرت خویش حرکت کند، به حیات الهی زنده خواهد شد. اوج و نهایت این حیات و زندگی الهی، تحقق حیات طیبه است که خداوند متعال برای حرکت ناگزیر آدمی در متن جان وی تعریف کرده است. البته روشن شد که در تحقق این حیات پاکیزه، مراد حتماً ایجاد شرایطی سرشار از رفاهیات و آسایشی مادی نیست؛ بلکه ایجاد یک روشن بینی، رضا به قضای الهی، صبر، وسعت صدر و یقینی است که همه پیشامدها در مقابل آن سهل باشد (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۴۹۶) و در آن آدمی در نفس خود نور و کمال و قوت و عزت و لذت و سروری درک می‌کند که نمی‌توان اندازه‌اش را معین کرد و نمی‌توان گفت که چگونه است. چگونه چنین نباشد و حال آن که مستغرق در حیاتی دایمی و زوال ناپذیر، و نعمتی باقی و فنا ناپذیر، و لذتی خالص از الم و کدورت، و خیر و سعادت غیر مشوب به شقاوت است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۶).

حیات طیبه غایت آموزه‌های فقه خانواده

دانستیم اگر انسان با عمل به دستورات الهی در مسیر شکوفایی فطرت خود گام بردارد، به حیات طیبه یعنی به اوج رشد، کمال و ترقی خواهد رسید؛ زیرا تمام دستورات الهی که در قالب فقه از باب طهارت تا دیات به انسان عرضه می‌شود، همگی در جهت تحقق همین کمال و تعالی است.^۱

۱- ر. ک: مشکانی سبزواری و الویری، ۱۳۹۰، ص ۱۴۹-۱۵۰.

در این میان این نکته قابل توجه است که دین مبین اسلام در میان تشریحات عمیق و دقیق خود، برای رساندن انسان به غایت پیشرفت فرهنگی یا همان حیات طیبه، نگاه ویژه‌ای به خانواده و احکام مربوط به آن مبذول می‌دارد. از نگاه قرآن کریم، خانواده مهمترین مهد تربیت، تکامل و تعالی آدمیان است و تحکیم جامعه به میزان استحکام خانواده‌ها و هر گونه تزلزل یا ضعف و سستی در جامعه به ناپایداری کانون خانواده وابسته است و هرگز افراد با خانواده‌های متزلزل یا متلاشی نمی‌توانند جامعه معتدل و متعالی به وجود آورند (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۷۵).

در همین راستا باید گفت در یک نگاه کلی مهمترین و عمومی‌ترین آموزه و تکلیف این دین الهی در رساندن انسان به اوج پیشرفت یعنی حیات طیبه، در آیه «یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم ناراً» (تحریم، ۶) طرح شده است. اهمیت این الزام تا آنجاست که بر آموزه‌های حوزه فقه خانواده سایه افکنده است. بر اساس آیه مزبور، هر یک از اعضای خانواده علاوه بر مسؤولیت در برابر اعمال و رفتار خویش در پیشگاه خداوند تعالی، در مقابل اعمال خانواده خود نیز مسؤول است. بر این مبنا لازم است انسان به وسیله ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش، در نجات و نگهداری خویشتن بکوشد و علاوه بر این تلاش در حفظ خویش، در تمام مراحل زندگی حتی از نخستین سنگ بنای خانواده، یعنی از مقدمات ازدواج مثل انتخاب همسر، به حفظ و نگهداری خانواده خود اهتمام تام ورزد.^۱ تا با تکوین شخصیت خانواده خویش بر پایه دین حنیف اسلام و پرورش جان و نفس آنان با ادب قرآنی و صفات عالیه الهی آنان را از آتش آخرت و خواری دنیا رهانیده^۲ و به سرمنزل مقصود یعنی حیات طیبه برساند.

از همین منظر می‌توان گفت آموزه‌های فقه خانواده در سایه تکلیف انسان به حفظ اهل خویش از آتش تباهی و سقوط قرار دارد و به گونه‌ای تشریح گردیده که در نهایت خود یا زمینه‌ساز دستیابی انسان به حیات طیبه باشد و یا موانع را از سر راه وی در رسیدن به

۱- ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۸۷

۲- ر.ک: حجازی، ۱۴۱۳هـ ج ۳، ص ۷۰۵

این زندگی برتر برطرف سازد. ذیلاً به برخی از این الزامات فقهی در دو بخش احکام زمینه‌ساز و احکام مانع‌زدای حیات طیبه، اشاره می‌شود.

۱- دستورات فقهی زمینه‌ساز حیات طیبه در فقه خانواده

الف - الزام به تشکیل خانواده

در نظر دین مبین اسلام بهترین و کامل‌ترین نوع زندگی در سیر تکاملی، که بر اساس فطرت و غریزه طبیعی انسان نیز می‌باشد، زندگی خانوادگی است (مطهری، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۰۴) و هر گونه زندگی در بیرون از این چارچوب، یک زندگی ناقص و معیوب قلمداد می‌شود. بر همین مبنا، از اساسی‌ترین دستوراتی که اسلام در جهت تحقق حیات طیبه در این بخش از فقه بیان می‌دارد، تأکید اکید بر تشکیل خانواده است؛ چنان که نکاح و ازدواج را محبوب‌ترین بناها^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ ج ۲۰، ص ۱۵) و اقدام در جهت فروپاشی آن یعنی طلاق را ابغض‌الحلال نزد خداوند تعالی معرفی کرده است (نوری، ۱۴۰۸ هـ ج ۱۵، ص ۲۸۰)^۲. اسلام داشتن همسر با خصوصیتی ویژه را، از مهمترین و اصلی‌ترین عوامل، در دستیابی انسان به حیات طیبه می‌داند.

چنانکه روایت نبوی «مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَائِدَةً بَعْدَ الْإِسْلَامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرُرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَ تَطِيعُهُ إِذَا أَمَرَهَا وَ تَحَفُّظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَ مَالِهِ» (صدوق، ۱۴۱۳ هـ ج ۳، ص ۳۱۹) به خوبی مؤید همین معناست؛ زیرا طبق آیه ۹۷ سوره نحل، ایمان و عمل صالح دو عامل اصلی و شرط اساسی در تحقق حیات طیبه برای انسان است؛ در همین راستا روایت مذکور، بعد از اسلام و ایمان، بزرگترین و باارزش‌ترین فایده برای زندگی انسان مؤمن را، داشتن همسر مسلم‌ه‌ای می‌داند که هر گاه مرد به چهره وی نظر کند، شادمان گردد، امر شوهر مؤمن خود را اطاعت کند و هنگامی که مرد از نزد وی غایب است، با عفت و رزق، خود و مال شوهرش را حفظ نماید. این، نشانگر آن است که بعد از عامل اسلام، ایمان و عمل صالح، از مهمترین عوامل زمینه‌ساز تحقق حیات طیبه برای مرد، داشتن همسری با

۱- و بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِنَاءُ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ التَّزْوِيجِ.

۲- عَوَالِي الْأَكْبَرِيِّ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَحَبُّ إِلَيَّ مَبَاحًا كَالنِّكَاحِ وَ مَا أَبْغَضُ إِلَيَّ مَبَاحًا كَالطَّلَاقِ.

این ویژگی‌ها است. همچنان که بر مبنای روایات، مستحب است که زن نیز، مردی خوش خلق، دیندار، عقیف و امانت دار را به همسری خود برگزیند (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ.ج ۲۰، ص ۷۶):
 زیرا داشتن چنین همسر شایسته‌ای زمینه دستیابی به حیات طیبه را برای وی فراهم خواهد کرد.

نقش اساسی همسر شایسته در دستیابی انسان به حیات طیبه موجب شده است که قرآن کریم برای بیرون آمدن انسان از زندگی حیوانی و در برگرفتن پوشش انسانی یعنی همان کمال و به بار نشستن درخت فطرت آدمی و رهایی از نقصان، زن و مرد را با تعبیری لطیف و دقیق، لباس یکدیگر معرفی کند «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ» (بقره، ۱۸۷) تا همان گونه که لباس، آدمی را زینت می‌دهد و عیوب و عورتش را می‌پوشاند و وی را از گزند آفات حفظ می‌کند، زن و شوهر نه تنها عیوب یکدیگر را بپوشانند، بلکه یکدیگر را از گزند وساوس شیطانی و اوامر هوای نفس و فسق و فجور و گناه و هلاکت و شقاوت و سقوط نگاه داشته، به زینت دیانت، عقلانیت، تکامل، ایمان و عمل صالح در فضایی سرشار از مهر و محبت بیارایند.^۱ در همین راستا مشهور فقها در تبیین ماهیت نکاح، آن را از ضروب عبادات و اعمال صالح دانسته و بر مبنای روایات و آیات، حکم به استحباب مؤکد آن کرده‌اند و در مواردی که ترک نکاح، حتی اگر فقط خوف وقوع در حرام را در پی داشته باشد، نکاح را بر شخص واجب دانسته‌اند؛^۲ زیرا نکاح با ایجاد زمینه حفظ دین (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۲۹)^۳ و تأمین نیازهای جنسی و شهوانی از مجرای مشروع، انسان را در برابر گناهان کوچک و بزرگی نظیر زنا و روابط نامشروع که دین انسان را به ورطه نابودی می‌کشانند (همان، ص ۵۴۱)^۴ و او را فرسنگ‌ها از حیات طیبه دور می‌کنند، در حصن محکم قرار می‌دهد. تمامی این مطالب به خوبی نشان می‌دهد که اساساً دین مبین اسلام با تأکید

۱- ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۵۰

۲- ر. ک: عاملی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۶۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ هـ.ج ۱، ص ۷

۳- ابن علی بن ابی حنّره عن کلب بن معاویه الأسدی عن ابی عبد الله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله من تزوج آخر نصف دینه و فی حدیث آخر فلیتق الله فی النصف الآخر أو الباقی.

۴- علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر و عثمان بن عیسی عن علی بن سلیم قال: قال ابو ابراهیم علیه السلام اتق الزنا فإنه یمحق الرزق و یبطل الدین.

فراوان بر استحباب نکاح و کراهت شدید عزوبت (شبییری زنجانی، ۱۴۱۹هـ.ج، ۱، ص ۴۴) در پی تحقق هر چه بیشتر تکامل در نفس آدمی و رساندن وی به حیات طیبه بوده است.

ب- الزام زن و مرد به حسن معاشرت و حفظ تداوم مودت و رحمت ایجاد شده و تحقق غایت «سکونت»

در تحلیل قرآنی از همان آغاز آفرینش مرد، جفت و زوجی برای همسری وی از نفس جانش آفریده شده است (نساء، ۱: زمر، ۶)، تا هر دو به آرامش جسمی و روانی دست یابند (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۱۸۹).

این آرامش از آنجا ناشی می‌شود که این دو جنس، مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۹۱). بنابراین، هدف از ازدواج، تحقق سکونت و آرامشی است که در سایه تکامل و تعالی آدمی ایجاد می‌گردد تا در بستر این آرامش و سکونت، وی به حیات طیبه الهی دست یابد.

در این راستا حضرت حق به منظور زمینه‌سازی تحقق همین تکامل و تعالی، مودت و رحمتی را با جاری شدن عقد نکاح، میان زن و مرد به ودیعت می‌نهد «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم، ۲۱). که به برکت این مودت و رحمت، آن دو با تلاشی ایثارگرانه با مشاهده نقص طرف مقابل، تمام اهتمامشان را به رفع نقایص یکدیگر معطوف می‌نمایند تا کمال و تعالی را در طرف مقابل خود محقق کنند؛ زیرا "رحمت"، به معنای نوعی تأثیر نفسانی است، که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد، و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید و صاحب‌دل را وادار می‌کند به این که در مقام برآید و او را از محرومیت نجات داده، نقصش را رفع کند (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۵۰).

به همین منظور، در نگاه اسلام زن و مرد مکلفند که در خانواده با یکدیگر به نیکی رفتار کرده، حسن معاشرت داشته باشند «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء، ۱۹) و از این طریق موهبت الهی بزرگی چون مودت و رحمت را به عنوان یکی از مهمترین زمینه تکامل خویش، صیانت و حفاظت نمایند تا غایت ازدواج که همان سکونت و آرامش است، در نهاد خانواده محقق شود؛ به گونه‌ای که در بستر این آرامش، نقایصشان برطرف گردد و

درخت فطرتشان به بارنشیند و به حیات طیبه دست یابند. این تکلیف تا آنجا در سیر تکاملی انسان و دستیابی وی به حیات طیبه حائز اهمیت است که در نگاه مفسران اگر هر یک از زوجین مرتکب عملی شود که آرامش، مودت و رحمت خانواده را خدشه‌دار کند، از مدار الهی خارج شده و در خطّ شیطان قرار می‌گیرد.^۱

ج- تقسیم مسؤولیت‌های زوجین بر اساس نیازها و توان‌ها

نهاد خانواده همچون سایر نهادها برای رسیدن به اهداف و مقاصد خود نیازمند تقسیم وظایف میان اعضای آن می‌باشد. به همین منظور دین مبین اسلام با توجه به نیازمندی‌ها، توانمندی‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد هر یک از زن و مرد، در آفرینش تکوینی به تقسیم وظایف در بین آنان پرداخته است^۲ و همان طور که برای مردان حقوقی بر عهده زنان نهاده، حقوقی را برای زنان بر عهده مردان تشریح کرده است که هر دو موظف به رعایت آنند «وَأَلْهَنَّ مِثْلُ النِّدَىٰ عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، ۲۲۸)؛ زیرا در اسلام هرگز حق یک طرفه نیست؛ بلکه همیشه به صورت متقابل است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۵۶-۱۵۷).

البته دیدگاه اسلام در زمینه تقسیم حقوق و تکالیف خانوادگی با آنچه در چهارده قرن پیش می‌گذشته و با آنچه در جهان امروز می‌گذرد، مغایرت تام دارد. با این توضیح که اساس تشریح در احکام نکاح (خانواده) در دیدگاه این تفکر و حیانی، بر قسط و عدالت و از بین بردن انحراف و اجحاف در حقوق است (موسوی همدانی، ۱۳۴۷، ج ۷، ص ۲۷۰). بر همین مبنا اسلام در ضمن پایبندی به اصل مساوات انسانها اعم از زن و مرد، با توجه به تفاوت خلقت و طبیعت زنانه و مردانه، برای هر یک حقوق و تکالیفی در خور قائل شده است و در مواردی برای زن و مرد وضع مشابه و در موارد دیگر وضع نامشابهی در نظر گرفته است. به عبارت بهتر، در تقسیم حقوق و تکالیف خانوادگی، برخلاف مکاتب مدعی توسعه که طرفدار تشابه این تکالیف بدون توجه به نیازمندی‌ها و توانمندی‌های زوجین هستند و عدالت را تنها تشابه در حقوق می‌دانند، دین مبین اسلام عدالت و تساوی حقوق زن و مرد

۱- ر. ک: قرائتی، ۱۳۸۲، ج ۹، ص ۱۸۹

۲- ر. ک: مطهری، بی تا، ج ۱۹، ص ۱۶۹-۱۷۸

را رعایت کرده است؛ در حالی که، با تشابه حقوق و تکالیف آنها مخالف است^۱ و در نهایت تقسیم وظایف حکیمانه و متناسب با تکوین و خلقت زن و مرد، به دنبال شکوفایی هر چه بیشتر فطرت، تعالی و تکامل آنان است تا با حاکم ساختن آرامش و سکون در فضای خانواده زمینه دستیابی به حیات طیبه را برای اعضای آن فراهم سازد.

بر همین اساس با توجه به اختلاف دامنه‌دار موجود بین نیروهای جسمی و روحی زن و مرد و این که هر یک از آنان در آفرینش خود مسیری متفاوت را در رسیدن به تکامل طی می‌کند، وظایفی متفاوت از یکدیگر و البته متناسب با خلقت خود را عهده‌دار می‌گردند. چنانکه قانون آفرینش، وظیفه حساس مادری و پرورش نسلهای نیرومند و پاک را بر عهده زن می‌نهد که سهم بیشتری از عواطف و احساسات را در خلقت اولیه خود داراست، و جنس مرد را که از سهم بیشتری در قدرت جسمانی، عقل معاش، توان تحمل سختی‌ها و شادای زندگی بهره‌مند است، موظف به وظایف خشن و سنگین‌تر اجتماعی مانند تأمین نفقه و رزق حلال می‌نماید^۲ تا به وسیله تأمین زندگی مادی و اقتصادی اهل خود با روزی پاکیزه و حلال، آنان را از عواقب و آتش ناشی از اکل حرام و روزی خبیث محافظت کند و به حیات طیبه برساند؛ زیرا روزی حلال و طیب که آدمی را در عبادت و عبودیت الهی، یعنی همان ایمان و عمل صالح نیرومندتر می‌سازد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۵۹)، قطعاً یکی از ارکان اصلی حرکت خانواده به سمت حیات طیبه است؛ «وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» (مائده، ۸۸)؛ تا آنجا که حتی در برخی کتب تفسیری، حیات طیبه به رزق حلال و طیب تفسیر شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۵۹۳).

بنابراین، دین مبین اسلام در عمق برنامه‌ای که برای تقسیم وظایف در نهاد خانواده ارائه می‌کند - که این برنامه کاملاً با نیازمندی‌ها، توانمندی‌ها و فطریات هر یک از زوجین متناسب و هماهنگ است - در پی استقرار حیات طیبه در وجود زوجین است و همین امر موجب شده است که این تفکر و حیانی زوجین را که در تلاش برای ایفای این تکالیف

۱- ر. ک: مطهری، بی تا، ج ۱۹، ص ۱۲۷ - ۱۳۷

۲- ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۵۷

هستند، در صحنه‌ای از جهاد در راه خدا (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۹۸)^۱، در جهت تحقق تکامل در نفس و جان خویشتن چنان تصویر کند.

د - تکلیف به تربیت فرزند و عوامل زمینه‌ساز آن

تربیت نسلی سالم و صالح که از لحاظ جسمی، اعتقادی و اخلاقی در نهایت تکامل و تعالی بوده، از پلیدی‌ها و آلودگی‌های ظاهری و معنوی پاک و مبری باشند (زارعی، ۱۳۸۷، ش ۱، ص ۸۰)، از اساسی‌ترین اهداف تفکر و حیانی اسلام در حوزه فقه خانواده، در جهت زمینه‌سازی تحقق حیات طیبه برای آدمی است؛ چنان که با دقت و حساسیت خاصی به تشریح احکام این حوزه می‌پردازد و در جهت بسترسازی تربیت هر چه بهتر طفل توصیه‌های متعدد و میسوطی را حتی قبل از انعقاد نطفه از جمله در زمینه انتخاب همسر، شرایط همبستری زوجین و... ارائه می‌کند. در همین راستا، این دین الهی در امور تربیت فرزندان، برای نهاد خانواده، نقش بسزایی قائل است و نقش اصلی و اولی را در تعلیم و تربیت اسلامی و الهی افراد به عهده والدین می‌گذارد و تربیت طفل را از تکالیف و واجبات عینی آنان معرفی می‌کند^۲ و رحمت الهی را در صورت اقدام شایسته در این زمینه (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۱۲)، و لعنت و دوری از رحمت را در صورت کوتاهی و قصور در این وظیفه الهی (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۲۱، ص ۳۹۰) به آنان بشارت می‌دهد.

به همین منظور والدین باید با عمل به دستورات عمیق و دقیق دین مبین اسلام به تربیت شایسته اولاد خود و آشنایی وی با معارف دینی و فراگیری قرآن و مسائل حلال و حرام از همان سال‌های آغازین زندگی طفل که قلب و روح وی بسان زمینی مناسب و بستری گشاده، آمادگی و استعداد پرورش هر نوع بذر و پذیرش هر نوع تربیتی را داراست^۳، همت گمارند و بستر را برای دستیابی آنان به حیات طیبه فراهم سازند.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ آدَمَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا قَالَ: الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا يَكْفِي بِهِ عِيَالَهُ أَكْبَرُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنَ التَّجَلُّلِ.

۲- ر. ک: انصاری شیرازی، ۱۴۲۹ هـ، ج ۳، ص ۲۸۵

۳- ر. ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۶، ص ۴۷۸

همه آنچه گفته شد، به خوبی نشانگر این مطلب است که دین مبین اسلام با تکلیف والدین به تربیت شایسته و بایسته اولاد خود و مهمل نگذاردن آنان به دنبال فراهم کردن زمینه دستیابی انسان به حیات طیبه بوده است.

۲- الزامات فقهی مانع‌زدا از مسیر تحقق حیات طیب

الف - تحریم ازدواج با زنان یا مردانی که به دلایل مختلف مانع پیشرفت و تحقق

حیات طیبه است

دین مبین اسلام برای شکل‌گیری زندگی خانوادگی با بنیانی مستحکم که اعضای خانواده در سایه آن به رشد و تعالی و در نهایت حیات طیبه دست یابند، برنامه ویژه‌ای را در کیفیت شکل‌گیری مهد تربیت، تکامل و تعالی اشخاص یعنی خانواده ارائه می‌کند؛ چنان که علاوه بر توصیه‌هایی در ملاک‌ها و معیارهای انتخاب همسر، در زمینه این انتخاب، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی را نیز اعمال می‌کند که به یکی از مهمترین آن‌ها اجمالاً اشاره می‌شود:

- *اعمال محدودیت در زمینه ازدواج با کفار*: فقها در بحث موانع نکاح به موضوعی تحت عنوان کفائت زوجین در زمینه‌های مختلفی از جمله دینی، اقتصادی و اخلاقی می‌پردازند. آیات قرآن و روایات ملاک اصلی کفائت را همسانی زوجین در دین قرار می‌دهند، یعنی همسانی معرفتی مهمترین ملاک کفائت در ازدواج است (زارعی و عبداللّهی، ۱۳۸۷، ص ۵).

از همین منظر، طبق نظر مشهور فقهای امامیه، نکاح زن مسلم با کافر، اعم از کتابی و غیر کتابی، و ازدواج مرد مسلم با زن کافر غیر کتابی مطلقاً ممنوع و باطل است.^۱ در علت تشریح این محدودیت، اگر چه دلایل متعددی دخیل بوده، اما مهمترین دلایل عبارت است از این که اولاً آدمی از اعتقادات همنشین و همراه خود به شدت اثر می‌پذیرد «*الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ*» (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۱۲، ص ۴۸) که به طریق اولی این تأثیر و تأثر اعتقادی و فکری بین زوجین نیز به خصوص برای جنس زن به دلیل شدت عواطف و احساسات

وجود دارد. به همین دلیل، چه بسا همسر کافر با عقاید ضاله خود انسان را از ایمان و عمل صالح و در نتیجه دستیابی به حیات طیبه محروم سازد؛ ثانیاً از آنجا که هدف از ازدواج، تنها کامجویی جنسی نیست و زن و مرد شریک عمر و مربی فرزندان یکدیگرند و ازدواج پایه اصلی تکثیر نسل و پرورش و تربیت فرزندان و گسترش جامعه است، چه بسا ازدواج با کفار، خانواده را از هدف متعالی تربیت نسل صالح و سالم دور کند؛ زیرا اعتقادات و مسائل اخلاقی کفار نه تنها از طریق وراثت، بلکه به واسطه تربیت والدین به فرزندان منتقل می‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ هـ.ج، ۳، ص ۱۹۴). بر همین اساس، با توجه به این که از منظر دین مبین اسلام شرک و کفر خمیر مایه انواع انحرافات، و آتش سوزانی در دنیا و آخرت و عامل اصلی دوری از ایمان، عمل صالح و در نهایت حیات طیبه است؛ لذا قرآن اجازه نمی‌دهد که مسلمانان، خود یا فرزندان‌شان را در دام این آتش بیفکنند^۱ و این گونه از موهبت عظیم حیات طیبه دور و محروم بمانند.

ب- تحریم سوء معاشرت هر یک از زوجین و نشوز: در الگوی خانواده اسلامی حقوق و تکالیف زوجین و فرزندان نسبت به یکدیگر و یا سایر خویشان در سایه اصول اخلاقی مورد تأکید قرار گرفته است و در هر حال حقوق خانواده در اسلام، همراه با آمیختگی آن با جنبه‌های اخلاقی باعث تکامل آدمی (زارعی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۰، ص ۷۰-۷۲) و دستیابی به حیات طیبه می‌شود.

به همین علت، از بین ۲۸ بار تکرار واژه معروف در قرآن کریم، ۱۹ مورد آن اختصاص به موضوع معاشرت مردان با زنان در محیط خانواده دارد که نشان می‌دهد، معروف را ضابطه و قانون کلی در معاشرت و روابط خانوادگی قرار داده است. به بیان بهتر، تحکیم خانواده و در نهایت دستیابی به حیات طیبه، نوع خاصی از رفتار زوجین با یکدیگر را طلب می‌کند که از آن با عنوان حسن معاشرت یاد می‌شود «و عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء، ۱۹)^۲.

۱- ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۳۳

۲- ر. ک: عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۸۷، ص ۶-۷

به همین جهت، هر گونه رفتار مخالف با این اصول و مبانی در قالب سوء معاشرت و نشوز زوجین از سوی شارع مقدس تحریم شده است؛ تا آنجا که سرپیچی زوجین از انجام تکالیف زناشویی، عصیان در مقابل خداوند تعالی نامیده شده (نجفی، ۱۴۰۴هـ ج ۳۱، ص ۲۰۰). با ضمانت اجرای جدی از سوی حضرت حق روبه‌روست (نساء، ۳۴ و ۱۲۸).

ج- تحریم برخی از موانع تحقق تربیت کودک: چنان که قبلاً روشن شد، تربیت کودک با فضایل و مکارم اخلاق و ادب دینی و قرآنی از مهمترین دغدغه‌های اسلام در جهت زمینه‌سازی دستیابی انسان به حیات طیبه است. در همین راستا این تفکر و حیانی علاوه بر اختیارات وسیعی که به منظور حفظ و صیانت از کودک به والدینش عطا می‌کند تا او را در مسیر هدایت و تکامل یا همان حیات طیبه قرار دهند، محدودیت‌هایی را هم برای آنان وضع می‌کند و با تشریح احکام تحریمی یا کراهتی در صدد رفع موانع تحقق این تربیت شایسته در راستای دستیابی به حیات طیبه برمی‌آید؛ به عنوان مثال، با توجه به تأثیر عمیق مال حلال و رزق طیب در وجود آدمی در رسیدن به عاقبتی نیک و حیاتی طیب، تغذیه طفل با مال غیر یا عین نجس را حرام می‌داند (انصاری شیرازی، ۱۴۲۹هـ ج ۱، ص ۴۹۸) و بر مبنای وجوب رعایت مساوات و عدالت بین اولاد از سوی والدین، بر تفضیل برخی بر برخی دیگر، حکم حرمت بار می‌کند (همو، ج ۳، ص ۵۳۰).

در مقام جمع‌بندی می‌توان گفت در نگاه کلی، بررسی مجموعه احکام فقه خانواده، که به دلیل کوتاهی مجال تنها به برخی از موارد آن اشاره کردیم، ما را به این نتیجه می‌رساند که تمامی تشریحات شارع مقدس در این زمینه، منظومه‌ای هدفدار برای تحقق پیشرفت انسان و رسیدن به حیات طیبه است. بنابراین، راز انعطاف زن و مرد تشکیل حوزه رحامت و تأسیس سلسله ارحام و محارم و تأمین روابط مهرآمیز خانوادگی در راستای ساخت نظام برین انسانی و پرورش مسجود فرشتگان و جلوه خلیفه‌اللهی و جامع جمال و جلال همه اسمای خداوندی (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲) و دستیابی به حیات طیبه است.

یافته‌های پژوهش

۱- تحقق حیات طیبه، غایت برنامه جامع تکاملی اسلام، در مسیر تعالی فرهنگی انسان

است.

۲- حیات طیبه به عنوان یکی از بالاترین مراتب حیات انسانی، آثار شگفتی مانند علم و نورانیت در تشخیص حق از باطل، قدرت در احیای حق و ابطال باطل، سلطه و حاکمیت بر بیرون و درون در عین آزادی و حریت از هر گونه سلطنت غیر و شرح صدر را برای انسان به همراه می‌آورد.

۳- تمامی آموزه‌های اسلام در قالب فقه، به شکل برنامه‌ای جامع برای تحقق همین حیات پاکیزه تشریح شده است.

۴- مجموعه مقررات فقه خانواده به عنوان یکی از بخش‌های مهم فقه اسلامی، منظومه‌ای هدفدار در جهت تحقق حیات طیبه می‌باشد.

۵- الزامات فقه خانواده در جهت تحقق حیات طیبه در دو طیف اصلی قابل دسته‌بندی است. الف- الزاماتی که زمینه‌ساز تحقق حیات طیبه محسوب می‌گردد؛ مانند الزام به تشکیل خانواده یا الزام زوجین به حسن معاشرت.

ب- الزاماتی که موانع را در مسیر دستیابی انسان به حیات طیبه برطرف می‌سازد؛ مانند تحریم سوءمعاشرت و نشوز زوجین و تحریم نکاح با کفار.

پیشنهادهای

بنابر مطالب گفته شده به منظور تحقق حیات طیبه و پی‌گیری این هدف بزرگ از دامان خانواده به عنوان مهمترین بستر رشد و تکامل آدمیان، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱- برنامه‌ریزی در سطح کلان برای ارتقاء شناخت و نگرش آحاد جامعه در زمینه منزلت انسان و غایت وی در جهان هستی.

۲- ترسیم وضعیت مطلوب منظومه قوانین خانواده با محوریت غایت حیات طیبه.

۳- نقد قوانین موجود در حوزه خانواده و تبیین فاصله آن با وضعیت مطلوب (یعنی همان حیات طیبه).

۴- سیاستگذاری تدریجی اصلاح و تکمیل قوانین خانواده در راستای دستیابی به حیات طیبه.

۵- طراحی پژوهش‌های مرتبط با هریک از پیشنهادهای فوق.

منابع و مأخذ

- ✓ قرآن کریم
- ✓ ابن باویه قمی، محمدبن علی، *من لا یحضره الفقیه*، ۱۴۱۳هـ قم، انتشارات جامعه مدرسین قم
- ✓ ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ۱۴۱۴هـ بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم
- ✓ انصاری شیرازی، قدرت‌الله، *موسوعه احکام الأطفال و أدلتها*، ۱۴۲۹هـ قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام، چاپ اول
- ✓ الویری، محسن و عباسعلی مشکانی سبزواری، «در آمدی بر سنجش ظرفیت‌های تمدن‌سازی فقه»، تابستان ۱۳۹۰، فصلنامه پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۳
- ✓ بخشیان، ابوالقاسم و عبدالله حاجی‌صادقی، «مفهوم‌شناسی و حقیقت‌یابی حیات طیبه از منظر قرآن»، بهار و تابستان ۱۳۹۳، دوفصلنامه علمی - پژوهشی انسان پژوهی دینی، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی، شماره ۳۱
- ✓ جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر انسان به انسان*، ۱۳۸۹، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ پنجم
- ✓ ———، *تفسیر موضوعی قرآن کریم، توحید در قرآن*، ۱۳۸۳، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول
- ✓ ———، *تفسیر موضوعی قرآن کریم، جامعه در قرآن*، ۱۳۸۸، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم
- ✓ ———، *تفسیر موضوعی قرآن کریم، هدایت در قرآن*، ۱۳۸۵، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم
- ✓ ———، *تفسیر موضوعی قرآن کریم، مراحل اخلاق در قرآن*، ۱۳۷۷، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول

- ✓ جوکار، محبوبه، «حقوق و وظائف متقابل زن و شوهر اخلاقی، فقهی و حقوقی»، بهار ۱۳۹۰، دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، جامعه المصطفی العالمیه، شماره ۸
- ✓ حجازی، محمد محمود، *التفسیر الواضح*، ۱۴۱۳هـ بیروت، دارالجلیل الجدید، چاپ دهم
- ✓ حر عاملی، محمدحسین، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، ۱۴۰۹هـ قم، مؤسسه آل‌البیت
- ✓ حرانی، ابی محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه، *تحف العقول*، ۱۴۱۶هـ مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین قم، چاپ چهارم
- ✓ حسینی همدانی، سید محمدحسین، *انوار درخشان*، ۱۴۰۴هـ تهران، انتشارات کتابفروشی لطفی، چاپ اول
- ✓ دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، ۱۳۸۹، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- ✓ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، ۱۴۰۴هـ قم، انتشارات دفتر کتاب، چاپ دوم
- ✓ زارعی، محمد مهدی و عبدالکریم عبداللهی، «جایگاه همسانی اخلاقی زوجین در تشکیل خانواده در فقه و حقوق موضوعه»، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۸۱
- ✓ زارعی، محمد مهدی، «درآمدی بر جایگاه اخلاق در ازدواج و حقوق خانواده»، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۸۷
- ✓ ساجدی، مهدی و سید جواد موسی زاده، «بررسی مدیریت و سرپرستی خانواده از دیدگاه فقه اسلامی»، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، مجله پژوهش‌های فقهی، شماره ۳
- ✓ شبیری زنجانی، سید موسی، *کتاب النکاح*، ۱۴۱۹هـ قم، مؤسسه پژوهشی رأی پرداز، چاپ اول

- ✓ طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ۱۴۱۷هـ ق، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم
- ✓ طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الاخلاق*، ۱۴۱۲هـ ق، انتشارات شریف رضی
- ✓ طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ۱۳۷۲، تهران، انتشارات ناصرخسرو، چاپ سوم
- ✓ طوسی، علی بن حسن، *تهذیب الاحکام*، ۱۳۶۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- ✓ عاملی، زین الدین بن علی، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی) - سلطان العلماء*، ۱۴۱۲هـ ق، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول
- ✓ — *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، ۱۴۱۳هـ ق، مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول
- ✓ عاملی کرکی، علی بن حسین، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، ۱۴۱۴هـ ق، مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام، چاپ دوم
- ✓ عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه، «*مبانی حسن معاشرت به معروف در نظام حقوقی خانواده از منظر قرآن کریم*»، بهار و تابستان ۱۳۸۷، دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، پردیس خواهران، شماره ۴۸
- ✓ علی‌اکبری، حسن، «*به سوی بازتعریفی جامع تر از توسعه دینی: نسبت حیات طیبه و توسعه دینی*»، تابستان ۱۳۸۴، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۲
- ✓ فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی، *الوافی*، ۱۴۰۶هـ ق، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه‌السلام، چاپ اول
- ✓ قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، ۱۳۸۳، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم
- ✓ قرشی، سید علی اکبر، *احسن الحدیث*، ۱۳۷۷، تهران، انتشارات بنیاد بعثت، چاپ سوم
- ✓ کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ۱۳۶۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- ✓ مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، بی‌تا، تهران، بی‌نا

- ✓ مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، ۱۳۷۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول
- ✓ — **کتاب النکاح**، ۱۴۲۴هـ، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب، چاپ اول
- ✓ — **تفسیر الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل**، ۱۴۲۱هـ، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب، چاپ اول
- ✓ موسوی خمینی، سید روح الله، **تحریر الوسیله**، ۱۴۲۵هـ ترجمه علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه
- ✓ — **تحریر الوسیله**، ۱۴۰۹هـ، قم، مؤسسه انتشارات دارالعلم، چاپ اول
- ✓ — **توضیح المسائل**، ۱۴۲۴هـ، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ هشتم
- ✓ — **کتاب الطهاره**، ۱۴۲۱هـ مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، تهران، چاپ اول
- ✓ — **صحیفه نور**، بی تا، تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی
- ✓ موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا، **مجمع المسائل**، ۱۴۰۹هـ، قم، دارالقرآن کریم، چاپ دوم
- ✓ موسوی همدانی، سید محمدباقر، **ترجمه تفسیر المیزان**، ۱۳۷۴، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم
- ✓ نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، ۱۴۰۴هـ بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم
- ✓ نوری، حسین بن محمدتقی، **مستدرک الوسائل**، ۱۴۰۸هـ، قم، مؤسسه آل البیت